

کردند و سم از وی آرند که چون دیر بعد از مردن غسل کرده باشد
 وی یا تقد نوشته که فسیکینکم الله و مات رحمه الله بالبرهه سنة
 احدی و سقیق و یا تره **شهبان زای رحمه الله تعالی** گویند شهبان
 خبانی که چون روز جمعه آمدی بعضی خود خطی کرد که سفندان
 کشیدی و بنما ز رفتی آن کو سفندان از آن خطایرون تر شد تا آنکه
 آمدن وی و گویند که وقتی و بر اجابت رسید و آب بنزد غسل
 آبر پاره بر آمد و بیا رید تا وی غسل کرد پس برقت و گویند که در
 در خانه هس کردن و در راه بروی استوار کردند چون در راه
 بکش دند وی در خانه نبود **سفیان خوری** رحمه الله گفته است که
 من و شهبان بیعت حج بیرون آمدیم روزی در راه مارا شیری
 پیش آمد با شهبان گفتیم این سگ را می بینی که پیش راه ما گرفت
 گفت مترسای سفیان بعد از آن با یک بر آن شیر زد آن شیر مثل
 دم خود جفا نیدن گرفت شهبان گوش و مرا بگفت و ما با او
 گفتم این چه شهرت گفت این گوی بینی چه شهرت ای خوری
 اگر نه شهرت را مگر و داشتی زاد خود را باز کردی مگر بر پشت
 وی تا بکلمه **عبد الله بن المبارک رحمه الله تعالی** از اهل اهل
 بوده است و در پشت که بلده است بر کنار فوات نوت فرست
 و قبر وی آنجاست قبل کان فیه خصال جمعه لم یجمع فی احدی
 اهل العلم فی زمانه کان فیرها علما و در عا حاطا بیف باستانی

رحالا

رحالا فی جمع العلم شجاعا یزال الأبطال ادبیا یقول الشعر
 سخیا بما یملک سفیان خوری رحمه الله گفته است که هر چند گوش
 می گویم که در سالی سه روز مثل ابن المبارک توانم بودنی توانم **رو**
 و فضیل عیاض رحمه الله گفته است که سو کند بخداوند خانه گوید دو
 چشم من مثل عبد الله مبارک نذیره است و از وی آرند که شخصی
 تا بنام شده بود پیش وی رفت و گفت دهان که خدای گنا چشم را
 بینا کرد اند هر خاست و دعای دراز کرد خدای گنا چشم وی را
 بینا کرد این یکی از سلف گوید که من آن شخصی را می یاد دیدم بعد از آن
 که تا بنام دیده بودم و سم از وی آرند که در زمین موت غلام خود را
 کشت که شگد خدارم که اشتب می روم این کتابهای را بر و در رود
 خانه انداز غلام کتابها را بیکار رود خانه بر از دلش بر نیاید
 در آب اندازد باز گشت از وی پرسید که کتابها را در رود
 خانه اندا حق غلام گفت انذا ختم گت چه علامت دیدی غلام
 گفت که هیچ علامت ندیدم گت بنفذا ختم غلام گوید که بعد از
 رقم و آن کتب را در آب اندا ختم دیدم که از رو و خانه نور
 با آسمان بالا رفت بر رسیدم و باز گشتم بر رسید چه کردی گت آنچه
 فرموده بودی بجای آوردم فرمود که چه دیدی گت نوری
 دیدم که از رو و خانه با آسمان بالا رفت فرمود که آری آنچه
 فرمودم بجای آوردی بعد از آن فرمود که من اشتب می روم

۲۷

King Saud University

Copyright © King Saud University